

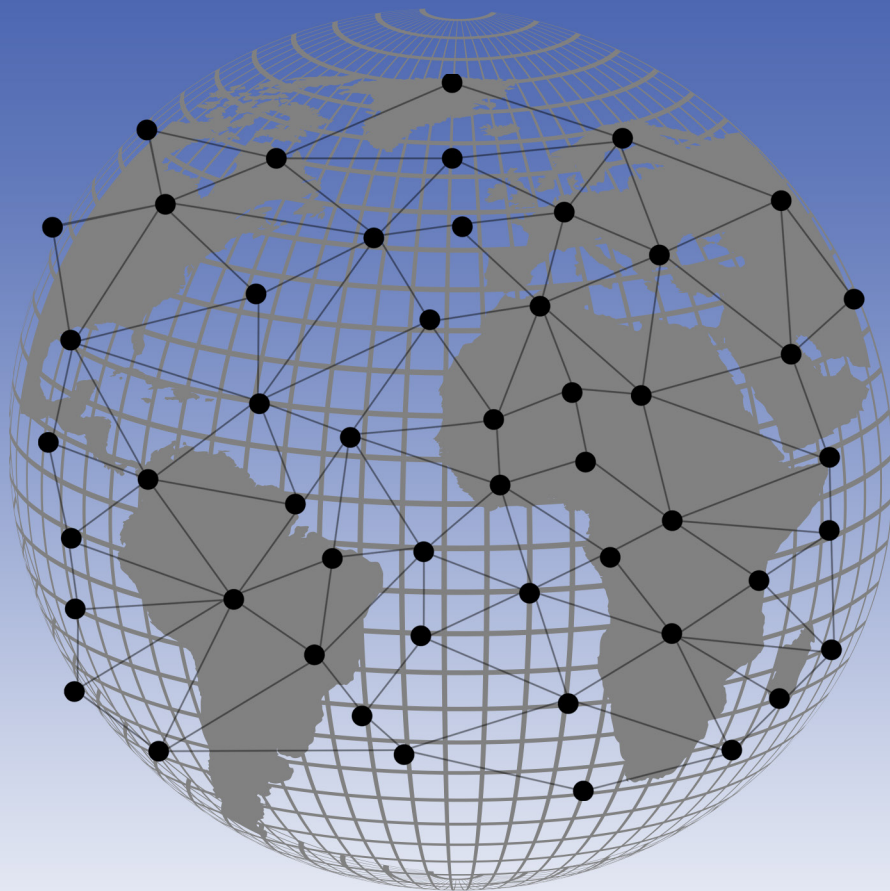


مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

## پایش تحولات تجارت جهانی (گزارش یازدهم)

در این شماره می‌خوانید:

- سیاست تجاری دولت بایدن در قبال چین چگونه بر ایران تاثیر خواهد گذاشت؟
- توافق سوریه و امارات برای گسترش روابط اقتصادی: آیا حضور بخش خصوصی ایران در سوریه دشوارتر خواهد شد؟
- همکاری پاکستان با امارات عربی متحده برای پیوند زدن گوادر و جبل علی و همکاری ازبکستان با افغانستان برای اجرایی کردن کریدور ترنس افغان: تضعیف روزافزون موقعیت ژئواکونومیک ایران



آبان ۱۴۰۰

شناسنامه گزارش



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

عنوان:

پایش تحولات تجارت جهانی  
(گزارش یازدهم)

مدیریت اقتصاد کلان و آینده پژوهی

تاریخ انتشار: آبان ۱۴۰۰

واژه‌های کلیدی: سیاست تجاری دولت بایدن در قبال چین، سوریه، امارات، گوادر، جبل علی، ازبکستان، کریدور ترنس افغان

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵

---

---

سلسله گزارش‌های "پایش تحولات تجارت جهانی" رویدادهای کلیدی در محیط ژئواکونومیک ایران را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. در این قالب، رویدادهای کلیدی از منظر تاثیرگذاری بر دیپلماسی اقتصادی و موقعیت ژئواکونومیک ایران مورد توجه قرار می‌گیرند. هدف از تهیه این گزارش که به صورت ماهانه از سوی مرکز پژوهش‌های اتاق ایران منتشر خواهد شد ارائه تصویری روشن از محیط ژئواکونومیک ایران و فرصت‌ها و تهدیدهای ایران در این فضا است.

---

---

## فهرست مطالب

۵	مقدمه
۶	۱-پایش تحولات در لایه جهانی
۶	۱-۱ رونمایی از سیاست تجاری دولت بایدن در قبال چین
۸	۲-۱ اتحادیه اروپا در سیاست تجاری تجدیدنظر می‌کند؟
۹	۳-۱ هدف‌گذاری جدید تجارت خارجی هند
۹	۴-۱ استقبال بریتانیا از سرمایه‌گذاری چین در حوزه‌های غیر استراتژیک
۱۰	۲-پایش تحولات در لایه منطقه‌ای
۱۰	۱-۲ توافق سوریه و امارات برای گسترش روابط اقتصادی
۱۰	۲-۲ رشد چشمگیر تجارت غیرنفتی امارات
۱۱	۳-۲ گوادر و جبل علی مکمل یکدیگرند
۱۱	۴-۲ ترکیه در پی افزایش نفوذ در بازارهای آفریقا
۱۲	۵-۲ سرمایه‌گذاری ۱,۲ میلیارد دلاری امارات در منطقه زیر صحرای آفریقا
۱۲	۶-۲ اقدام جدید پاکستان برای گسترش نفوذ ژئواکونومیک در افغانستان



## مقدمه

ایران در اقتصاد سیاسی بین‌الملل موقعیتی دوگانه دارد. از یک سو ارتباطات بین‌المللی این کشور به کمترین میزان در دهه‌های اخیر رسیده است. از دیگر سو کشور به صورت مضاعف از تحولات در محیط روانی و عملیاتی اقتصاد سیاسی بین‌الملل متأثر می‌شود. سلسله گزارش‌های "پایش تحولات تجارت جهانی"، رویدادهای کلیدی در محیط ژئواکونومیک ایران را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. در این قالب رویدادهای کلیدی از منظر تأثیرگذاری بر دیپلماسی اقتصادی و موقعیت ژئواکونومیک ایران مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. در این گزارش، گلچینی از تحولات اخیر در دولایه جهانی و منطقه‌ای محیط ژئواکونومیک ایران مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند.

## ۱- پایش تحولات در لایه جهانی

### ۱-۱- رونمایی از سیاست تجاری دولت بایدن در قبال چین

روند تحول در روابط اقتصادی و سیاسی چین و ایالات متحده از کلیدی‌ترین متغیرهای شکل‌دهنده به فرایندهای اقتصاد سیاسی و تجارت جهانی است. کاترین تای نماینده تجاری ایالات متحده اخیراً در نشستی در مؤسسه مطالعات راهبردی و بین‌المللی از سیاست تجاری دولت بایدن در قبال چین رونمایی کرد. دولت بایدن از هنگام دست گرفتن قدرت تا کنون مشغول بازبینی سیاست تجاری این کشور در قبال چین بوده است. سخنرانی نماینده تجاری ایالات متحده در این مؤسسه کلیدی آمریکایی را می‌توان نوعی رونمایی از سیاست جدید دولت بایدن در قبال چین دانست.

او در این سخنرانی چند نکته کلیدی را مورد تأکید قرار داد. نخست آن که از نوعی تغییر پارادایمی در سیاست تجاری ایالات متحده در قبال چین سخن گفت. از منظر وی در دوره پس از الحاق چین به سازمان تجارت جهانی، ایالات متحده به استراتژی دو وجهی در حوزه اقتصاد و تجارت در قبال چین شکل داد و در طی دوره سه رئیس‌جمهور به این سیاست پایبند ماند. نخستین وجه این استراتژی، گفتگوی منظم و سطح بالا با چین باهدف بررسی اجرای تعهدات این کشور به سازمان تجارت جهانی و تشویق آن به پیشبرد اصلاحات بازار محور بود.

دومین وجه استراتژی، حل اختلافات با چین در قالب رکن استیناف سازمان تجارت جهانی بود که در این قالب ایالات متحده ۲۷ اختلاف با چین را به این سازمان سپرد و این سازمان در مورد آنها رأی داد. نکته مهمی که نماینده تجاری ایالات متحده بر آن تأکید می‌کند آن که این استراتژی دووجهی به‌شدت ناکارآمد شده است، زیرا از یک سو نظارت بر اجرای تعهدات چین در قبال سازمان تجارت جهانی به‌شدت دشوار شده و از طرف دیگر حل اختلافات بنیادین اقتصادی و تجاری با چین در چارچوب سازمان تجارت جهانی ممکن نیست.

از منظر وی ایالات متحده در دوره ترامپ در مورد ضرورت تغییر پارادایمی در سیاست تجاری در قبال چین به جمع‌بندی رسید. به دیگر سخن نوعی جمع‌بندی دوحزبی در ایالات متحده شکل گرفت که دیالوگ سطح بالای تجاری و اقتصادی با چین و سپردن اختلافات به سازمان تجارت جهانی منافع ایالات متحده و منافع نظام تجارت چندجانبه را تأمین نمی‌کند و باید راه جدیدی را در پیش گرفت.

از همین رو از منظر وی دولت ترامپ سازمان تجارت جهانی را به کناری نهاد و به‌صورت یک‌جانبه بر اعمال تعرفه بر چین و محدودیت تجارت با این کشور تمرکز کرد. نهایتاً کنش‌های دولت ترامپ واکنش‌های چین به توافق تجاری محدودی میان دو کشور موسوم به فاز اول توافق تجاری منتهی شد، توافقی که تعهدات محدودی برای دو طرف ایجاد می‌کند و عملکرد چین در قبال آن از منظر وی کامل نبوده است.

اما نکته مهمی که نماینده تجاری ایالات متحده بر آن تأکید می‌کند آن که این توافق ابعاد بنیادین اختلافات با چین را در برنمی‌گیرد، به‌ویژه مشکل عظیم یارانه‌های صنعتی چین که در سال‌های اخیر به‌شدت گسترش یافته و زمینه را برای

از بین بردن صنایع و بیکار شدن حجم عظیمی از نیروی کار در کشورهای مختلف ویژه ایالات متحده فراهم آورده است. او به دو صنعت فولاد و پنل‌های خورشیدی اشاره می‌کند که در سال ۲۰۰۰ ایالات متحده سالانه ۱۰۰ میلیون تن فولاد تولید می‌کرد، تعداد نیروی کار شاغل در صنایع فولاد این کشور ۱۳۶۰۰۰ نفر بود، اما در دهه‌های اخیر چین با یارانه‌های سنگین صنعتی، ۶۰ درصد تولید فولاد جهان را در اختیار دارد، فولادی که در یک ماه تولید می‌کند به اندازه تولید برخی تولیدکنندگان مهم در سال است و همین امر باعث شده تا صنعت فولاد ایالات متحده به شدت آسیب ببیند و میزان اشتغال در این صنعت ۴۰ درصد کاهش یابد.

در حوزه پنل‌های خورشیدی نیز چین با یارانه‌های سنگین ۸۰ درصد کل تولید جهانی را در اختیار گرفته و کارخانه‌های آمریکایی تولیدکننده این پنل‌ها را به ورشکستگی و تعطیلی کشانده است. نکته مهمی که او اشاره می‌کند آنکه اکنون خطر در مورد نیمه رسانه‌ها جدی است، زیرا چین با ارائه یارانه‌های ۱۵۰ میلیارد دلاری می‌کوشد که در این حوزه نیز به موقعیت مسلط دست یابد و این بزرگ‌ترین چالش پیشروی ایالات متحده و متحدانش به شمار می‌آید.

از منظر نماینده تجاری ایالات متحده، دولت بایدن در پاسخ به چالش چین اولاً به صورت کلی رویکرد ترامپ را تداوم خواهد بخشید و همچنان محدودیت‌ها و فشارها بر چین را تداوم می‌دهد. تعرفه‌هایی که بر حدود ۷۰ درصد از صادرات چین به ایالات متحده اعمال شده همچنان باقی خواهد ماند اما برخی کالاها خاص ممکن است از شمول تعرفه خارج شوند. دیگر آنکه از منظر دولت بایدن سازمان تجارت جهانی نمی‌تواند چالش‌های کلیدی ناشی از تجارت غیر آزاد و نامنصفانه چین را حل کند؛ بنابراین ایالات متحده به سازمان تجارت جهانی برای حل اختلاف توجهی نخواهد کرد. افزون بر این بررسی یارانه‌های صنعتی و مزاد ظرفیت برخی صنایع چین که دولت ترامپ آنها را بررسی نکرده بود از سوی دولت بایدن مورد تفحص و بررسی قرار خواهد گرفت و به تناسب نتایج این بررسی‌ها اقدامات محدودکننده در مورد چین در پیش گرفته خواهد شد.

از منظر وی حفظ منافع نیروی کار و در سطح کلان‌تر طبقه متوسط ایالات متحده در کانون سیاست تجاری این کشور قرار دارد و این دولت خواهد کوشید تا مانع از ضربه‌زدن بیشتر چین به طبقه متوسط و کارگری ایالات متحده شود. ایالات متحده خواهد کوشید تا موقعیت خود به عنوان کانون فناوری‌های پیشرفته و اختراعات و ابتکارات را تداوم بخشد و مزیت رقابتی خود را در این حوزه حفظ کند. در سطح بین‌المللی کانون استراتژی تجاری ایالات متحده همکاری تنگاتنگ و هماهنگی با متحدین برای بازطراحی نظام تجارت چندجانبه، باز و آزاد و منصفانه خواهد بود.

برخی کارشناسان استدلال می‌کنند که سخنرانی نماینده تجاری ایالات متحده نشان از تداوم رویکرد دولت ترامپ در قبال چین دارد. حتی ایالات متحده ممکن است قانون ۳۰۱ را در مورد چین اجرایی نماید. این قانون به دولت بایدن اختیار اعمال محدودیت‌هایی بر تجارت با چین فراتر از قواعد سازمان تجارت جهانی می‌دهد. اما برخی در مورد شکل‌گیری مدلی از همکاری هدفمند با متحدین در مورد مقابله هماهنگ با چین تردید دارند.

روند تحول در روابط تجاری و سیاسی چین و ایالات متحده تأثیرات مستقیمی بر روابط ایران و چین می‌گذارد. پایش این روند برای دولت و بخش خصوصی ایران واجد اهمیت راهبردی است. کنش‌های جدید چین، به‌ویژه کاهش خرید نفت از



ایران می‌تواند امتیازی از سوی چین به دولت بایدن باهدف کاستن از تنش‌ها و کاهش فشارهای تجاری آمریکا بر این کشور باشد. به دیگر سخن چین احتمالاً نه در پرونده تجاری بلکه در پرونده ایران امتیازاتی به دولت بایدن داده است تا به صورتی تاکتیکی اقدامات تنبیهی آمریکا را کاهش دهد.

## ۱-۲- اتحادیه اروپا در سیاست تجاری تجدیدنظر می‌کند؟

کریستین لاگارد رئیس بانک مرکزی اروپا در سخنرانی اخیر در صندوق بین‌المللی پول نکات مهمی را در مورد لزوم تغییر در رویکرد تجاری و اقتصادی اتحادیه اروپا بیان کرده است. کانون بحث و سخنرانی او بر این گزاره استوار است که تجارت جهانی و به‌طور کلی جهانی‌شدن با تغییر پارادایمی مواجه است و اتحادیه اروپا باید رویکرد سنتی خود در این حوزه را در مواجهه با این تغییر پارادایمی اصلاح نماید. او اذعان کرده است که تجارت آزاد به اتحادیه اروپا کمک کرد تا بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ تولید ناخالص داخلی خود را دوبرابر نماید و به ۱۴٫۷ تریلیون دلار افزایش دهد. افزون بر این تجارت آزاد ۳۶ میلیون شغل را در این اتحادیه حفظ کرد.

اما او معتقد است که در دوره پسا کرونا شرایط به گذشته باز نخواهد گشت. به دیگر سخن در سال‌های اخیر چند تغییر پارادایمی رخ داده است که بازگشت به گذشته را غیرممکن می‌کند. نخستین و مهم‌ترین تغییر، "حمایت‌گرایی فزاینده در ایالات متحده" است که احتمالاً تداوم خواهد یافت و این بدان معناست که نقش ایالات متحده به‌عنوان رهبر تجارت آزاد در جهان دیگر احیا نخواهد شد و این کشور به نقش سنتی خود در تجارت جهانی باز نخواهد گشت.

دوم آنکه رشد تجارت جهانی در سال‌های اخیر کاهش یافته است و مزایای ناشی از آن به‌ویژه برای اقتصاد باز و گشوده چون اتحادیه اروپا رو به کاهش است. سوم آنکه زنجیره جهانی عرضه به طور فزاینده‌ای آسیب‌پذیر می‌شود وابستگی شدید کشورها به این زنجیره عرضه می‌تواند آسیب‌های جدی به اقتصاد آنها وارد نماید.

چهارم آنکه در روابط تجاری چین و آمریکا به‌عنوان دو اقتصاد اصلی جهان، امنیت بر کارآمدی و رقابت‌پذیری و اصول اقتصادی ارجحیت و اولویت یافته است. آنچه در این تنش رخ می‌دهد عمده‌تاً منطق امنیتی دارد تا منطق تجاری. پنجم آن که تغییرات آب‌وهوایی شوک‌های غیرقابل‌پیش‌بینی به‌نظام تجارت جهانی وارد می‌کند.

او استدلال می‌کند که در پاسخ به این تغییرات اتحادیه اروپا باید رویکرد کلان خود را نسبت به جهانی‌شدن و تجارت آزاد تغییر دهد. از آزادسازی متقابل در قالب‌های دوجانبه و چندجانبه حمایت نماید و بر تقویت تقاضای داخلی در این اتحادیه متمرکز شود. افزون بر این او در پاسخ به این تغییرات پارادایمی چند توصیه سیاستی برای اروپا مطرح می‌کند: نخست آن که سیاست تجاری و اقتصادی اروپا باید بر توسعه بخش‌هایی همچون خدمات دیجیتال و اقتصاد سبز متمرکز شود، در عین اینکه اقتصاد این اتحادیه را در برابر ریسک‌های ناشی از حوزه‌هایی که در آنها آسیب‌پذیری دارد حفاظت نماید. دوم آنکه حمایت مالی مادامی که اقتصاد اروپا از شرایط کنونی کاملاً رهایی نیافته باید تداوم یابد. افزون بر این حمایت مالی باید بر طرح‌هایی که تغییرات ساختاری را تسهیل می‌کنند متمرکز شود و نه حمایت از بخش‌های روبه‌زوال. دیگر آنکه سیاست پولی اتحادیه اروپا باید در راستای ثبات سازی در اقتصاد اتحادیه و حفظ تورم ۲ درصد در میان‌مدت تغییر نماید.

او نتیجه می‌گیرد که جهانی‌شدن به طور فزاینده‌ای پیش‌بینی‌ناپذیر می‌شود و اتحادیه اروپا باید ریسک مواجهه با شرایط پیش‌بینی‌ناپذیر آینده را کاهش دهد. او در نهایت اشاره می‌کند که منافع ناشی از تجارت آزاد هنوز هم اهمیت دارد، اما اتحادیه اروپا باید درک کند که با شمشیری دو لبه مواجه است و ممکن است آسیب‌های ناشی از تجارت آزاد در شرایط کنونی بیش از منافع آن باشد.

### ۱-۳- هدف‌گذاری جدید تجارت خارجی هند

دولت هند اعلام کرده است که در نظر دارد در سال ۲۰۲۲، ۳ موافقت‌نامه تجاری کلیدی با بریتانیا، استرالیا و امارات عربی متحده امضا نماید. این موافقت‌نامه‌ها در راستای افزایش صادرات این کشور به ۵۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۳ امضا می‌شوند. گفتگوها برای امضای موافقت‌نامه مشارکت اقتصادی با امارات آغاز شده است. نخستین دور گفتگوها در سپتامبر ۲۰۲۱ برگزار شد. انتظار می‌رود موافقت‌نامه مشارکت اقتصادی با امارات در مارس ۲۰۲۲ عملیاتی شود. دولت هند اعلام کرده است که موافقت‌نامه با استرالیا نیز تا دسامبر ۲۰۲۲ اجرایی خواهد شد.

### ۱-۴- استقبال بریتانیا از سرمایه‌گذاری چین در حوزه‌های غیر استراتژیک

وزیر تجارت خارجی بریتانیا اخیراً اعلام کرده است این کشور از سرمایه‌گذاری چین در بخش‌های غیر استراتژیک استقبال می‌کند. این سخن از آن رو اهمیت دارد که نشانه‌ای از تغییر رویکرد این کشور نسبت به سرمایه‌گذاری چین محسوب می‌شود. در دهه‌های اخیر بریتانیا همواره از گسترش روابط با چین استقبال می‌کرد، اما از دوره دولت ترامپ با تشدید رقابت میان ایالات متحده و چین تعداد زیادی از متحدین آمریکا و از جمله بریتانیا محدودیت‌هایی بر سرمایه‌گذاری چین در این کشورها ایجاد کردند. در این روند بریتانیا فعالیت‌های شرکت هواوی در این کشور را به شدت محدود کرد، سرمایه‌گذاری چین در حوزه انرژی هسته‌ای در این کشور را نیز با محدودیت‌های جدی مواجه ساخت و به‌طور کلی حوزه‌های راهبردی را به روی سرمایه‌گذاران چینی بست. افزون بر این تغییر شرایط در هنگ‌کنگ، روابط میان طرفین را به شدت تحت تأثیر منفی قرارداد. به نظر می‌رسد تفکیک میان حوزه‌های استراتژیک و غیر استراتژیک برای سرمایه‌گذاری چین به رویه‌ای مشترک میان ایالات متحده و طیف بسیاری از متحدین این کشور بدل می‌شود. کشورهایی مانند استرالیا، آلمان، فرانسه و برخی از کشورهای اروپایی و آسیایی دیگر که با ایالات متحده روابط نزدیکی دارند عملاً سرمایه‌گذاری چین در بخش‌های راهبردی را محدود و محدودتر می‌کنند.

## ۲- پایش تحولات در لایه منطقه‌ای

### ۲-۱- توافق سوریه و امارات برای گسترش روابط اقتصادی

وزیر اقتصاد امارات اخیراً اعلام کرده است که این کشور با سوریه برای توسعه روابط اقتصادی به توافق دست‌یافته است. این اظهارات پس از دیدار وزیر اماراتی با همتای سوری بیان شد. دعوت امارات از وزیر اقتصاد و تجارت خارجی سوریه برای شرکت در اکسپو ۲۰۲۰ نشانه جدیدی از روند تغییر رویکرد امارات به سوریه تلقی شده است. امارات از سال ۲۰۱۸ سیاست خود در مورد سوریه را تغییر داد و با بازگشایی سفارت خود در این کشور زمینه را برای گسترش روابط اقتصادی و سیاسی فراهم آورد. توافق کنونی دو کشور می‌تواند زمینه‌ای برای احیای روابط اقتصادی آنان باشد.

افزون بر این دو کشور در مورد احیای شورای تجاری مشترک که پیش از جنگ سوریه مهم‌ترین ساختار شکل‌دهنده به روابط آنان بود نیز به توافق دست‌یافته‌اند. حجم تجارت غیرنفتی دو کشور در ۶ ماهه نخست سال ۲۰۲۱ حدود ۲۷۰ میلیون دلار بوده است. این اقدام امارات در کنار اقدامات مصر، لبنان و اردن برای تعامل اقتصادی با سوریه نشان‌دهنده روند کاهش انزوای اقتصادی و سیاسی سوریه است. از دیگر سو نشان از کوشش این کشورها برای مقابله بانفوذ ایران و روسیه در این کشور دارد. ایالات متحده نیز به این کوشش‌ها با نادیده‌گرفتن بخشی از تحریم‌های سوریه، چراغ سبز نشان داده است. کوشش‌های جهان عرب برای احیای روابط با سوریه در یک سال اخیر وارد فاز اقتصادی شده است. اردن نخستین گام را در این مسیر با کوشش‌های موفقیت‌آمیز برای احیای خط لوله گاز عرب و احیای مبادلات در حوزه برق میان مصر - اردن - عراق - سوریه - لبنان برداشت.

چراغ سبز ایالات متحده به این کوشش‌ها سایر کشورهای عربی را نیز در مسیر احیای روابط اقتصادی با سوریه قرار داده است. برخی کارشناسان معتقدند پیوستن عربستان به این روند در ماه‌های آتی رخ خواهد داد. با پیوستن عربستان به این کوشش‌ها تغییر مهمی در ژئواکونومی منطقه، کاهش انزوای سوریه و رقابتی‌تر شدن بازار این کشور رخ خواهد داد. توجه به این تغییرات برای بخش خصوصی ایران اهمیت دارد. احتمالاً حضور اقتصادی ایران در سوریه به طور فزاینده‌ای با رقابت شرکت‌های جهان عرب که بخشی از آنها از حمایت‌های وسیع دولتی برخوردارند مواجه خواهد شد.

### ۲-۲- رشد چشمگیر تجارت غیرنفتی امارات

دولت امارات اعلام کرد تجارت غیرنفتی کشور در ۶ ماهه نخست سال ۲۰۲۱ ۲۷ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل رشد کرده است. حجم تجارت این کشور در شش ماهه نخست سال جاری به ۲۴۵ میلیارد دلار رسیده است. طلا و جواهرات، آلومینیوم، پلاستیک، مس، آهن و فولاد مهم‌ترین کالاهای صادراتی امارات عربی متحده در ۶ ماه اخیر بوده‌اند. صادرات این کشور در ۶ ماهه نخست سال جاری میلادی، ۴۴ درصد در قیاس با مدت مشابه در سال قبل رشد داشته است. صادرات مجدد این کشور نیز در این مدت ۲۲ درصد رشد یافته است. ۴۶ درصد از صادرات مجدد از بازارهای محلی و ۵۴ درصد از آن از مناطق آزاد صورت‌گرفته است.

هند عربستان، هنگ کنگ، کویت و چین مهم‌ترین بازارهای صادراتی امارات در شش ماهه نخست سال جاری بودند. مهم‌ترین بازارهای صادرات مجدد این کشور نیز عربستان، عراق و مصر بوده‌اند. مقامات اماراتی رشد چشمگیر تجارت خارجی این کشور را نشانه‌ای از تحکیم موقعیت آن به‌عنوان هاب تجارت شرق و غرب در جهان پسا کرونا و گامی در راستای برنامه‌های بلندپروازانه این کشور برای ۵۰ سال آینده برشمردند. این کشور در هفته‌های اخیر مذاکرات با هند و کره جنوبی برای امضای موافقت‌نامه مشارکت اقتصادی را آغاز کرده است. امارات در نظر دارد تا پایان ۲۰۲۲ با ۸ کشور از جمله دو کشور مورد اشاره موافقت‌نامه مشارکت اقتصادی امضا نماید تا جایگاه این کشور به‌عنوان هاب منطقه‌ای تجارت بین شرق و غرب تقویت گردد.

### ۲-۳- گوادر و جبل علی مکمل یکدیگرند

رئیس‌جمهور پاکستان که اخیراً به دعوت دولت امارات به این کشور سفر کرده است از لزوم همکاری گسترده‌تر میان پاکستان و امارات به‌ویژه بنادر جبل علی و گوادر به‌عنوان بنادر مکمل و ستون‌های توسعه تجارت در منطقه سخن گفته است. او تاکید کرده است که بندر گوادر بهترین، کوتاه‌ترین و به‌صرفه‌ترین مسیر برای نقل و انتقال کالا میان آسیای مرکزی و خاورمیانه و دسترسی کشورهای آسیای مرکزی به دریاهای آزاد است.

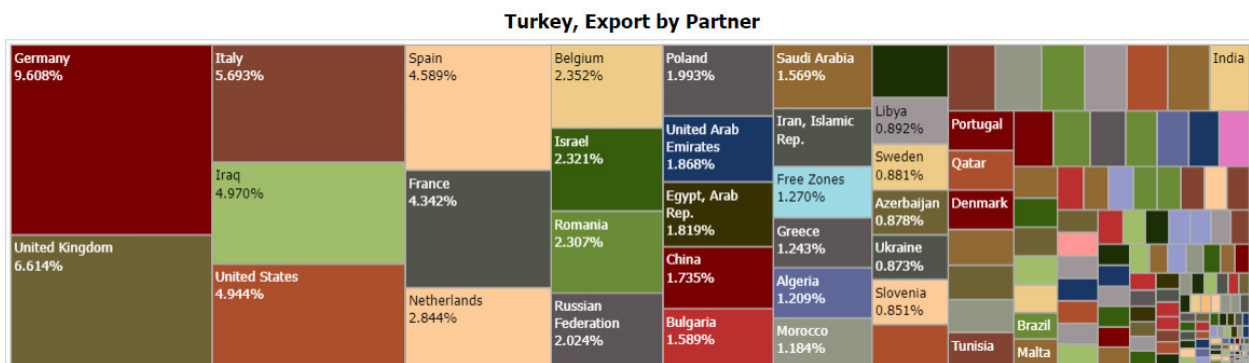
او به این نکته اشاره کرده است که پاکستان می‌کوشد مدل توسعه تجاری امارات متحده را به‌عنوان الگو مد نظر قرار داده و خود را به‌عنوان یک هاب تجاری در منطقه معرفی نماید. سواحل این کشور و به‌ویژه بندر گوادر از این منظر نقش کلیدی دارند در راستای این رویکرد، دولت پاکستان از زمان سقوط کابل بر کوشش‌ها برای زمینه‌سازی دسترسی کشورهای آسیای مرکزی به آب‌های آزاد از طریق افغانستان و پاکستان افزوده است. دولت پاکستان کریدور ترنس افغان را به‌عنوان مسیر جایگزین کریدور شمال- جنوب تعریف کرده و در ماه‌های اخیر کوشش‌هایی را برای اجرایی کردن آن آغاز کرده است. هفته گذشته هیئتی بلندپایه از پاکستان راهی کابل شد و از جمله در این مورد با طالبان بحث و گفتگو کرد. در صورتی که پاکستان بتواند با امارات عربی متحده به‌عنوان مهم‌ترین شریک تجاری خود در خاورمیانه به تفاهم‌های جدیدی در مورد همکاری گوادر و جبل علی دست یابد و از دیگر سو با ازبکستان برای اجرایی کردن کریدور ترنس افغان نیز وارد کنش‌های عملیاتی شود، تأثیرات منفی آن بر موقعیت ژئواکونومیک ایران و به‌ویژه بندر چابهار و کریدور شمال جنوب واجد اهمیت خواهد بود. پایش و واکنش به این کوشش‌ها برای ایران اهمیت دارد.

### ۲-۴- ترکیه در پی افزایش نفوذ در بازارهای آفریقا

هفته گذشته رئیس‌جمهور ترکیه به سه کشور آفریقایی سفر کرد تا گام جدیدی در مسیر توسعه روابط این کشور با قاره آفریقا و تقویت دیپلماسی اقتصادی این کشور در آفریقا بردارد. آفریقا در دو دهه اخیر همواره یکی از کانون‌های دیپلماسی اقتصادی ترکیه بوده است. ترکیه اخیراً ۱۷ کشور را به‌عنوان بازارهای هدف تعریف کرده است که چند کشور آفریقایی از جمله کنیا هم در آن میان قرار دارند. در همین راستا در سال‌های اخیر رجب طیب اردوغان از ۲۸ کشور آفریقایی دیدار کرده است و در این سفر از آنگولا، نیجریه و توگو بازدید کرد. این سفر در آستانه دو رویداد مهم در روابط اقتصادی ترکیه و آفریقا

صورت می‌گیرد سومین اجلاس اقتصادی و تجاری ترکیه و آفریقا در ۲۱ اکتبر در استانبول برگزار شد و سومین اجلاس، اجلاس مشارکت ترکیه آفریقا در سطح سران در دسامبر ۲۰۲۱ برگزار خواهد شد. یکی دیگر از اقدامات ترکیه در دو دهه اخیر برای گسترش حضور در آفریقا، افزایش چشمگیر تعداد سفارتخانه‌های این کشور در این قاره بوده است به گونه‌ای که سفارتخانه‌های ترکیه در قاره آفریقا از ۱۲ نمایندگی در سال ۲۰۰۲ به ۴۳ نمایندگی در سال ۲۰۲۱ افزایش پیدا کرده است. حاصل این اقدامات در روابط تجاری ترکیه و آفریقا به خوبی خود را نشان داده است. به گونه‌ای که حجم تجارت ترکیه با آفریقا از ۵,۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۳ به ۲۵,۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ افزایش پیدا کرد. بر مبنای آمارهای سال ۲۰۱۹ که در نمودار ذیل آمده است، برخی کشورهای آفریقایی همچون مصر، الجزایر، لیبی و مراکش در میان شرکای کلیدی تجاری ترکیه قرار گرفته‌اند.

### نمودار ۱- شرکای کلیدی صادراتی ترکیه در سال ۲۰۱۹ (منبع: بانک جهانی)



### ۲-۵- سرمایه‌گذاری ۱,۲ میلیارد دلاری امارات در منطقه زیر صحرای آفریقا

مطالعه جدیدی که توسط اکونومیست صورت گرفته نشان می‌دهد که بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۱ امارات ۱,۲ میلیارد دلار در کشورهای زیر صحرای آفریقا سرمایه‌گذاری کرده است. در این مدت ۸۸ درصد از کل سرمایه‌گذاری شورای همکاری خلیج فارس در این منطقه از سوی امارات صورت گرفته است. از منظر این گزارش، منطقه زیر صحرای آفریقا و به‌طور کلی آفریقا واجد فرصت‌های جدید و مهمی برای گسترش تجارت مجموعه شورای همکاری خلیج فارس ویژه شرکت‌های اماراتی است. بر مبنای این گزارش در دوره مورد بررسی گزارش، نفت و محصولات پتروشیمی مهم‌ترین صادرات شورای همکاری خلیج فارس به آفریقا بودند و به ترتیب ۲۴ و ۱۶ درصد از کل صادرات را به خود اختصاص داده‌اند. از طرف دیگر طلا و الماس مهم‌ترین واردات مهم‌ترین صادرات آفریقا به این مجموعه بوده‌اند.

### ۲-۶- اقدام جدید پاکستان برای گسترش نفوذ ژئواکونومیک در افغانستان

دولت پاکستان اخیراً قرارداد قدیمی تجاری میان این کشور و افغانستان را بار دیگر و باهدف افزایش تأثیرگذاری اقتصادی بر افغانستان و کمک به طالبان احیا کرده است. افغانستان و پاکستان در سال ۱۹۶۵ موافقت‌نامه‌ای تجاری امضا کردند که

در قالب آن شرکت‌های افغانستانی می‌توانستند از شبکه فرودگاهی پاکستان برای نقل و انتقال کالا بدون پرداخت عوارض گمرکی استفاده نمایند.

در سال‌های اخیر و متأثر از تنش‌ها میان پاکستان و افغانستان هیچگاه چنین مجوزی به کابل در عمل داده نشد. با وجود آن که ایالات متحده در سال ۲۰۱۰ میان دو کشور میانجیگری کرد و این قرارداد مجدداً امضا شد اما در عمل پاکستان امکان استفاده از شبکه فرودگاهی را به دولت اشرف غنی نداد. اکنون پاکستان این امتیاز را به طالبان ارائه داده است. افزون بر این پاکستان بدل به مهم‌ترین کشور در ارسال کمک‌های سازمان ملل متحد به افغانستان شده است و تمامی پروازهای کمک‌رسانی سازمان ملل به افغانستان از طریق شبکه فرودگاهی پاکستان صورت می‌گیرد. کنش پاکستان در افغانستان تنها معطوف به حضور ژئوپلیتیک و نقش‌آفرینی امنیتی نیست بلکه این کشور برای پیوند زدن اقتصاد افغانستان به اقتصاد خود و استفاده از موقعیت جغرافیایی افغانستان برای پیوند زدن کشورهایمانند ازبکستان به آب‌های آزاد و نیز پیوند زدن افغانستان به کریدور اقتصادی چین پاکستان می‌کوشد. مقامات پاکستانی آشکارا این اقدامات را در راستای اولویت جدید سیاست خارجی این کشور، سیاست اقتصاد محور برشمردند.